

فراخوان کمیتهء مراقبت برای صلحی واقعی در خاور میانه

## برای صلح چه باید کرد؟

### پی یر بوددیو و ...

خون از نو بر خاک فلسطین جاری ست. خشونت سرکوبی که نیروهای اشغالگر اعمال می کنند و واکنش های خشم آگین مردمی خسته از تحقیر و سرخوردگی، سلسله وار یکدیگر را دنبال می کنند. اگر مسؤولیت مستقیم خشونت، به روشنی، متوجه آریل شارون با همکاری ایهود باراک است که به او اسکورتی از نیروهای محافظ داد تا وارد صحن مسجد اقصی شود، در واقع، سیاستی که طی سالیان دراز از جانب حکومت های اسرائیل، خواه چپ و خواه راست، به عمل آمده وضعیت کنونی را به وجود آورده است. ترس و نگرانی از این است که بی قانونی ها پیش از آنکه به پایان رسند قربانی ها و خسارات زیاد به بار آورند. اما ناگزیر زمانی فرا خواهد رسید که باید راه عقل را در پیش گرفت. باید هر چه زودتر مسأله را به طور عمیق مورد تأمل قرار داد. یادآوری می کنیم که ارتش اسرائیل نیرویی اشغالگر است که حضور آن از سال ۱۹۶۷ در ساحل غربی رود اردن، غزه و بیت المقدس شرقی هیچ مشروعیتی ندارد. سیاست ایجاد مستعمره ها (شهرک های مهاجر نشین) آشکارا ناقض قطعنامه های ملل متحد و نیز کنوانسیون چهارم ژنو در بارهء سرزمین های اشغالی ست. باید به خاطر داشت که این سرزمین ها تنها ۲۰ درصد از کل فلسطین را تشکیل می دهند و فلسطینی ها با قبول اینکه ۸۰ درصد میهن اصلی شان به دولت اسرائیل واگذار شود امتیازی بزرگ و شجاعانه داده اند. قرار بر این بود که توافقنامه های اسلو به تدریج در این سرزمین ها شرایطی برقرار سازند که مقدمهء ایجاد یک دولت [فلسطینی] باشد، اما ایهود باراک همانند پیشینیان اش آن ها را به کار نبست. سیاست سلب مالکیت از مردم فلسطین که زایندهء نومییدی ست، همچنان ادامه یافته است. به این وضعیت واقعاً استعماری ست که امروز باید پایان داد.

ما از جامعهء بین المللی و به ویژه از اتحادیهء اروپا و در درون آن از فرانسه می خواهیم که از حالت انفعالی خود در برابر این سیاست انکار عدالت که علیه مردم

فلسطین اعمال شده بیرون آیند. این شرم آور است که اشغالگر را با اشغال شده، نیروی سرکوبگر را با کسی که در برابر آن دست به شورش زده، ارتشی منظم را که مجهز به وسائل مدرن است و در به کار گرفتن آن ها تردیدی به خود راه نمی دهد با تظاهر کنندگانی که اکثریت قریب به اتفاق آن ها را جوانانی تشکیل می دهند که جز سنگ چیزی در دست ندارند همه در یک ترازو قرار داده شوند. این غیر مسؤولانه و خطرناک است که عده ای می کوشند تا ماهیت سیاسی این برخورد را در پشت منازعات بین جماعت های مذهبی پنهان کنند، امری که خطر تقویت افراط گری های گوناگون را در پی دارد. این مسخره آمیز است که صرفاً برای از سرگرفتن روند صلح که خود شدیداً نامتعادل است و عدم کارایی خود را نشان داده دوباره فراخوان دهند. زیرا در واقع، برخلاف اخباری که گویا سرسختی فلسطینی ها در باره بیت المقدس باعث شکست توافقی شده که در شرف انعقاد بوده، مذاکرات نه تنها بر سر موضوع بیت المقدس شرقی بلکه بر سر کلیه مسائل دیگر مانند حقوق آوارگان، وضعیت شهرک های مهاجر نشین (مستعمره ها)، مرزها و غیره نیز با مانع روبرو شده است. نه تنها یاسر عرفات، بلکه هیچ رهبر فلسطینی نمی توانست شرایط ارائه شده از سوی اسرائیل را که استقرار یک دولت بادوام را غیر ممکن می سازد، بپذیرد.

راه بیرون آمدن از وضعیت فجیع کنونی و اجتناب از خطر تشدید وخامت آن، چیزی جز تغییر ریشه ای مذاکرات نیست که الزاماً با تعهد به قطعنامه های سازمان ملل متحد همراه است. ایالات متحده آمریکا که با جانبداری سیستماتیک [از اسرائیل] خود را بی اعتبار کرده دیگر نمی تواند مدعی سرپرستی منحصر به فرد روند صلح باشد. کشورهای عربی، اروپا و سازمان ملل و دیگران نباید بپذیرند که بیش از این از جست و جوی فعالانه راه های استقرار صلح عادلانه و پایدار در خاور میانه کنار زده شوند. اینک زمان آن رسیده که به کناره گیری جامعه بین المللی که باعث شده دولت اسرائیل از بیش از پنجاه سال پیش تا کنون خود را بالاتر از قانون بدانند، پایان داده شود. دولت های عضو سازمان ملل، و در درجه اول قدرت های بزرگ، پس از تصویب قطعنامه های رسمی نمی توانند از مسؤولیت اجرای آن ها شانه خالی کنند و به طریق اولی نمی توانند سیاست هایی را تحمل کنند که آشکارا مانع اجرای آن قطعنامه ها است.

دیگر زمان بی عملی نیست. یکی از بدترین تهدیدهایی که امروز متوجه سرزمین های اشغالی ست طرح جداسازی ای ست که تل آویو مطرح کرده و عبارت است از تقسیم این سرزمین ها به تکه های جدا از هم، قطع ارتباط آن ها با دنیای بیرون، و بدینسان محکوم کردن آن ها به خفگی. خودداری مجدد از اعمال مجازات علیه اسرائیل، در حالی که در جاهای دیگر بدون تعلل اجرا می گردد، تنها به معنای دادن چک سفید به دشمنان صلح است. به عنوان یک امر عاجل، باید اقداماتی برای حفاظت و تأمین جانی مردم فلسطین انجام گیرد و کمیسیونی واقعاً بین المللی برای تحقیق تشکیل گردد. اتحادیه اروپا باید اعلام کند که آماده است برپایی دولت فلسطین را که به عنوان حق مسلم فلسطینی ها پذیرفته به محض اعلام آن، به رسمیت بشناسد. این اتحادیه باید قرارداد های همکاری متقابل را که با اسرائیل منعقد کرده به حالت تعلیق درآورد.

اما فرانسه نمی تواند از مسؤولیت خود در ایفای نقشی که در حد مقام و سنت او در منطقه است شانه خالی کند. ما عالی ترین مقامات این کشور را فرا می خوانیم که ابتکاراتی را که وضعیت کنونی ایجاب می کند به مرحله عمل درآورند. احترام به حقوق مردم فلسطین هیچ درنگ و کاهشی را نمی پذیرد.

شنبه ۴ نوامبر ۲۰۰۰،

لوموند ۶-۵ نوامبر، ترجمه سهراب شباهنگ

نخستین امضاء کنندگان:

**حسنا عبید، اتی ین بالیبار، دومینیک بالرو، میشل باراک، دانیل بن سعید، ژاک بیده، گی بلوخ، پی یر بوردیو، موریس بوتن، دنی کولن، فرانسیس کمب، آن سنژیزه، کریستین دلفی، ژرار فه، ژاک دولا فری یر، بوتروس حلاق، قیس جاسر، ژرژ لابیگا، پی یر لافرانس، ژان ماری لامبر، پاتریسیا لاتور، ژوزت لاندی، ژیلبر مارکی، ژاک میلیه، فرانسیس موروان، رمون دو مولن، ژاکلین اولیویه، خوزه پائولی، کریستف رامو، رشدی راشد، خالد رومو.**

[امضاء کنندگان عموماً از استادان دانشگاه در فرانسه اند. مترجم]